

تابو شکنی

جیست تابو؟ پندار قوم کهنه خو
از هیج، بر خود ساختن چاک های بی رفو
از هیولای خرافات تابوسر می کشد
در شکستش قوم صاحب عهد کرد جستجو
میراثیست ازدورناندرتال و سنگ
توانسان عصرناسا یی ای عمو
بگذار طامات را و عقل کن اختیار
رهنمایت علم است، رگ به رگ مو به مو
زندگی برسخت گیر میگردد سخت تر
هم چشمی را با خرد ده شستشو
تابوشکستن کارمرد بدعهد نیست
مردصاحب عهدباید بشکند تابو
در حضور عزم، منت کش تقدیر مشو
آب مراد يك روزی می آید به جو
یکی گفت، مشکل از سعی آسان میشود
آری میشود! یاران صاحب سعی کو
از استدلال میتوان حل مشکل کرد
گر نگار بنشیند باری بر گفتگو

از طلسم طاغوتی مرد افراط کیش
عروسی خرا فیست در حساب تابو
در ترک نا هنجاری بستند عهد و لیک
بشکستند عهد، چون نماز گزار بی وضو
تابو شکنی یار! کار هر نامرد نیست
مرد راستین باید تا بشکند تابو
تدبیر چیست؟ بگیرد خار مژه دامنم
خمیازه بشکند، بجنبد تیغ ابرو
از فروغ عزم، هر خاری گل میشود
گر یار تاجدارم زود آید به مشکو
م.ش. فروغ

یاد داشت : سرایش این شعر انگیزه مهم اجتماعی، انسانی دارد. مخصوصاً ریشه آن در عروسی های
برخرج و کمرشکن که مانع بزرگ برای جوانان در تشکیل خانواده است و خرافات زیاد دران جا گرفته
نهفته میباشد. تفصیل را انشاءالله در مقاله ای بعداً خواهم نوشت.
کنایه و استعاره هایکه درین شعر بکار رفته آنهم دران روشن خواهد شد که بخشی ازان به سستی و بی
اجرایی و بیم پذیری رژیم و دولت مردان تعلق می گیرد .